

اینگه بورگ باخمن
در توفان گل سرخ
ترجمه فؤاد نظیری



باخمن، اینگه بورگه ۱۹۳۷-۱۹۲۶ م. در توفانِ گلِ سرخ (گزیده اشعار) / اینگه بورگه باخمن؛ ترجمه فؤاد نظیری - تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۸.	
شابک ۹۷۸-۹۶۲-۳۸۰-۵۵۲-۸	ISBN 978-964-380-554-8
دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم / تلفن: ۸۸۲۰۲۴۳۷ فروشگاه: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۳۸ / تلفن: ۸۸۴۲۵۳۷۶-۷	
شمار آلمانی - لرن ۲۰ م. ۸۳۱/۹۱۴ PT ۲۶۶۴ / الف ۱۳۵۴	



دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم / تلفن: ۸۸۲۰۲۴۳۷
 فروشگاه: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۳۸ / تلفن: ۸۸۴۲۵۳۷۶-۷

□ در توفانِ گلِ سرخ

- اینگه بورگ باخمن • ترجمه فؤاد نظیری • ناشر: نشر ثالث
- مجموعه شعر معاصر جهان
- طراح جلد: پرویز بیانی
- ویرایش فنی و لیتوگرافی: کارگاه نشر ثالث
- اسماعیل جنتی - آرزو رحمانی - انسیه محسنی - سحر معصومی
- چاپ اول: ۱۳۸۸ / ۱۱۰۰ نسخه
- چاپ: رهنما • صحافی: صفحه‌پرداز
- کلیه حقوق چاپ محفوظ و متعلق به نشر ثالث است
- شابک ۹۷۸-۹۶۲-۳۸۰-۵۵۲-۸
- ISBN 978-964-380-554-8
- سایت اینترنتی: WWW.Salesspub.ir • پست الکترونیکی: Info@Salesspub.ir
- قیمت: ۲۵۰۰ تومان

فهرست

۹	دیباجه‌ی مترجم فارسی
۱۱	یادداشت مترجم
۱۳	پیشگفتار: شاعر بر مرز
۳۷	از مجموعه‌ی زمان مهلت مانده
۳۹	ترک بندرگاه
۴۳	عزیمت از انگلستان
۴۶	سقوط کن، ای دل
۴۸	کلمات تاریک
۵۱	پاریس
۵۳	بار سنگین
۵۵	شگرد بازی پاییز
۵۸	زمان مهلت مانده
۶۰	چوب و تراشه‌ها
۶۳	صلواتِ ظهر
۶۶	هر روز
۶۸	پیام
۷۰	پل‌ها
۷۳	پرواز شبانه
۷۷	مزمور

۸۲	در توفانِ گلِ سرخ
۸۳	نان و نمک
۸۶	منظره‌ی عظیمِ نزدیکِ وین
۹۳	از مجموعه‌ی فراخوانِ خرسِ بزرگ
۹۵	بازی به سر رسید
۹۹	فراخوانِ خرسِ بزرگ
۱۰۱	پرنده‌ی من
۱۰۴	سرزمینِ نو
۱۰۶	حکایتِ حال
۱۱۳	دیارِ مه
۱۱۶	به من بگو، ای عشق
۱۲۰	آگهی
۱۲۲	کلام و افترا
۱۲۶	سرزمینِ نخست‌زاد
۱۲۹	آوازه‌های یک جزیره
۱۳۶	سیمای شب‌های رُم
۱۳۸	در آپولیا
۱۴۱	سایه گل‌های سرخ سایه
۱۴۲	بمان
۱۴۴	به آفتاب
۱۴۸	آوازی پرواز
۱۷۳	گزینهِی آخرین اشعار
۱۷۵	[بر این نژاد هیچ دل میند]
۱۷۶	هتل دُ لا پاس
۱۷۷	تبعید
۱۷۹	پس از این توفان
۱۸۰	جویبار
۱۸۱	اندیشه‌ام، برو

۱۸۳	آریا ۱
۱۸۵	هیّ واژه‌ها
۱۸۸	به راستی
۱۹۰	بوهم دراز کشیده در کناره‌ی دریا
۱۹۴	پراگ ژانویه‌ی ۶۴
۱۹۷	خُسْرانی
۱۹۹	معما
۲۰۱	چیزی نه دلپذیر
۲۰۵	پیوست
۲۰۷	یادداشتِ خودِ سرگذشت‌نامه
۲۱۰	آن‌چه در رُم شنیدم و دیدم
۲۱۷	[در بابِ خاستگاهِ عنوانِ «در آپولیا»]
۲۲۰	[اشعار به چه دردی می‌خورند؟]
۲۲۲	شعری برای خواننده
۲۲۵	رویدادنامه

دیباجه‌ی مترجم فارسی

به هر کجا که بچرخیم در توفانِ گلِ سرخ...

چهار پنج سال پیش، اینگه‌بورگ باخمن را با برگزیده‌ی کوچکی از اشعارش به نام «ترانه‌هایی در گریز» به ترجمه خانم ماندانا مقدم شناختم. شعرها نشان از شاعری ژرف‌اندیش و شگرف داشت و به ذهن‌ام خوش و سنگین نشست. گذشت، و من مرجع دیگری نداشتم و به کار خود بودم. دو سه سال بعد تلفن زدم به بیژن لاهی، شاعر و مترجم گرانقدر و مدرنیستِ اصیلِ روزگار ما، که فقط یک‌بار او را دیده‌ام، اما از قدیم بسیار دوست‌اش می‌داشتم. صدای گرم و مطمئن‌اش روی پیام گیر داشت می‌گفت: «بوقی که شنیدید، پیامی بگذارید!» که گوشی را برداشت. شنیده بودم کسالتی داشته، حال‌اش را پرسیدم و از این در و آن در گفتیم و شنیدیم که پیشنهاد داد شعرهای باخمن را ترجمه کنم و یکی دو مرجع را نشانی داد. به فکر افتادم و مثل همیشه دست به دامن عزیز دور و گرامی‌ام دکتر انوشیروان عادل شدم که برایم مجموعه‌یی ازین شاعر بیابد و بفرستد. زحمت کشید و گشت، و آن روزها کتابی در دسترس نیافت؛ تا این که رفت به کتابخانه‌ی دانشگاه ایالتی وست ویرجینیا و نسخه‌یی کامل از کتابی پاکیزه، مهور به مهر کتابخانه را کپی گرفت و برایم فرستاد. مهر و کرامتِ او را این‌جا

سپاس می‌گذارم. مشخصات کتاب این است:

In the storm of Roses; selected poems by Ingeborg Bachmann; TRANSLATED, EDITED, AND INTRODUCED BY MARK ANDERSON. PRINCETON UNIVERSITY PRESS-1986.

کتاب دو زبان است و متن آلمانی اشعار مقابل ترجمه‌ی انگلیسی آن‌هاست.

کار را شروع کردم و کتاب را نمک خواندم و به قول زنده‌یاد یگانه مهدی اخوان ثالث، کم‌کمک مستان شدم! شعرها برآمده از اعماق جان ایزد - بانوی شاعری بود که به تعبیر نیمای بزرگ «زاده‌ی اضطراب جهان» بود، و از دردها و دلواپسی‌ها و تنهایی‌ها و دلبسته‌گی‌های انسان امروز می‌سرود. از عشق و امید و یأس و ایمان. با ذهنی عمیقاً فلسفی، پیچیده، و شیفته و زخمین. شاعری فیلسوف یا فیلسوفی شاعر که در فلسفه پنجه در پنجه‌ی هایدگر می‌کرد و او را به چالش می‌طلبید. شعرها شگفت‌انگیز بود.

ترجمه‌ی شعر کار دشواری است، طُرفه آن‌که شعر فلسفی باشد یا ریشه در فلسفه داشته باشد و، شاعر ستهنده. شعر باخمن چنین بود. کار شکیبایی می‌خواست و بضاعت. سعی خود را کردم و رنج خود را بردم، به شیدایی! حاصل، دفتری که می‌بینید. اگر دست کم پیش‌بینش و قضاوت ظریف و تیز بین‌الاهی بزرگوار، روسیاه دریامده باشم، کلاه‌ام را می‌اندازم به هوا!

این جا بنا ندارم باخمن و شعر او را تحلیل کنم. این مهم را مترجم انگلیسی کتاب، مارک اندرسن، بسیار ژرف و وزین انجام داده است. من خود آن را می‌خوانم و می‌آموزم.

این کار به پایان رسید؛ شاید و اگر که پایان کار نباشد. نقطه‌یی است بر کاغذ و سایه‌ی دستی به یادگار، نشان ستایش انسان و جهان، و ادای دین به زبان. با قیدِ حدِّ همان بضاعت؛ البته و، همین.

یادداشت مترجم

چاپ حاضر اشعار اینگه‌بورگ باخمن براساس چاپ آلمانی مجموعه کارهای اوست (werker, Munich, R. Piper & Co. Verlag, ۱۹۷۸) و شامل همه‌ی شعرهایی است که می‌توانست به خوبی به انگلیسی برگردانده شود. شعرهای دوران جوانی باخمن که ظریفانه برخورد از قافیه بودند، ناگزیر کنار گذاشته شدند. این جای تأسف است، زیرا توانمندی باخمن به عنوان شاعر، عمدتاً از تلفیق ماهرانه و بسیار دقیق زبان امروزی، با فرم کلاسیک ناشی می‌شود. اما معیار ترجمه‌ی هر شعری باید متوجه کارکرد آن شعر در زبان اصلی‌اش باشد. این اصل رهنمون انتخاب شعرهایی بوده است که در این جا عرضه شده‌اند. تعدادی کارهای منشور، مرتبط با شعر باخمن، مثل یادداشت‌های خود سرگذشت‌نامه یا وقایع‌نگاری، به عنوان پیوست اضافه شده است. آن‌ها راه دستیابی به شعر او را ساده‌تر کرده و در عین حال ذائقه‌ی خواننده را برای آشنایی با نثر او برانگیخته می‌کنند، که چندیابی از آنها به انگلیسی ترجمه شد.

این ترجمه‌ها حاصل دستکار کسان دیگری نیز، غیر از خود من است. من سپاسگزار ماینر و شیل باخمن هستم که نخست با بزرگواری دست‌نوشته‌ی روایت ابتدایی مرا از نظر گذراندند و در اصلاح آن‌ها

ترغیب‌ام کردند؛ آن‌ها دست‌نوشته را به دقت در دو مرحله‌ی متفاوت مرور کردند؛ یافتن بسیاری از خطاها و ارائه‌ی پیشنهادهای خویش. همچنین مایل‌ام از کریستین کول و اینگه ون وایدن باوم، دوستان و ویراستاران باخمن تشکر کنم که از سر لطف پاسخگوی پرسش‌های من در مورد ابهامات در اصل آلمانی بودند. اِوا کونلن، کلاوس هابِرکام، ویلیام مک کلین و راینر ناثریل همگی از دید بومی و غیر بومی کاربرد زبان آلمانی در شعر باخمن را برای من تشریح کردند. جین مک گرری از جهت دیگری وارد عمل شد و در جاهایی به من مشورت داد که اصل آلمانی اشعار به شدت بر شعرها به زبان انگلیسی سنگینی می‌کرد. دو استاد شاعر، مایکل فراید و ریچارد مکسی، هنگامی که من در مرکز علوم انسانی دانشگاه هاپکینز دانشجوی بودم دوره‌یی بسیار مهم را برای من تنظیم کردند. جاناتان گلاسی منتخبی از این ترجمه‌ها را در پاریس ریویو (تابستان ۱۹۸۴) به چاپ رساند؛ از او به خاطر حمایت و دلگرمی بخشیدنِ مستمرش سپاسگزارم. گیرچن ابرفرانک هنگام آماده‌سازی دست‌نویس‌ها برای چاپ، در ویراستاری کار بی‌اندازه یاری رساند. دست آخر، مایل‌ام از دوستانم جورج راتل تشکر کنم که خیلی سال پیش، من این ترجمه‌ها را با او شروع کردم.

خود اثر تقدیم می‌شود به لائورا